



Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0)

تحلیل جامعه شناختی تاثیر نهاد وقف بر توسعه در شهر مشهد (مطالعه تطبیقی - تاریخی دوره های تیموری، صفویه و پهلوی)

ابوالفضل اکبری (دکتری جامعه شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد)

aboalfazlakbari@yahoo.com

حسین بهروان (استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول)

behraavan@um.ac.ir

محسن نوغانی (دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد)

noghani@um.ac.ir

احمدرضا اصغرپور (استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی)

asgharpour@um.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر با اتخاذ رویکرد تطبیقی - تاریخی به بررسی تاثیر نهاد وقف بر توسعه در شهر مشهد و عوامل تضعیف یا تقویت کننده آن در سه دوره تاریخی تیموری، صفوی و پهلوی پرداخته است. در قسمت چارچوب نظری، ضمن اشاره به نظریه های کارکردگرایی و ساختارگرایی، با استفاده از رویکرد نونهادگرایی در جامعه شناسی اقتصادی یک مدل علی سه سطحی در بررسی عوامل تضعیف یا تقویت کننده تاثیر نهاد وقف بر توسعه ارائه شده است. این مدل در دو سطح درون موردی و بین موردی و با استفاده از روش تحلیل روایی، روش توافق و غیر مستقیم اختلاف میل مورد بررسی و آزمون قرار گرفت. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که تقویت و یا تضعیف تاثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره های مورد بررسی، تابعی از محیط نهادی وقف، عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف در حفظ و توسعه موقوفات و نیات و انگیزه های واقفان بوده است. به طوریکه در دوره های تیموری و صفوی به دلیل وجود یک محیط

نهادی حامی وقف، عملکرد موثر متولیان و سازمان های متولی وقف و تقویت انگیزه های معنوی واقفان و اثرگذاری بیشتر نیت آنها، تاثیر وقف بر توسعه در مشهد نیز تقویت شده است. در حالیکه، در دوره پهلوی به دلیل فقدان یک محیط نهادی حامی وقف، سوء عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف و تضعیف انگیزه های معنوی واقفان و کاهش اثرگذاری نیت آنها، این تاثیر تضعیف شده است.

کلید واژه ها: نهاد وقف، توسعه، مشهد

۱. مقدمه

یکی از مهمترین آثار و پیامدهای نهاد وقف در جوامع اسلامی، خاصیت شهر آفرینی و شکل دهی به ساختارهای فرهنگی و اجتماعی شهرهای اسلامی است. به طوریکه، وقف عمیقاً زندگی اقتصادی و اجتماعی در شهرهای اسلامی را متاثر کرده است (سادومان و آیسون^۱، ۲۰۰۹: ۲۷۴). این تاثیر، عمدتاً در قالب توسعه و شکل گیری تسهیلات عمومی مانند حمام، مدرسه و مسجد و ایجاد فضاهای شهری که دارای کارکردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند و همچنین تامین مسکن از طریق اراضی وقفی مورد توجه قرار گرفته است (غزاله^۲، ۲۰۱۱؛ سادومان و آی سون، ۲۰۰۹). در ایران نیز از گذشته تا امروز، نهاد وقف نقش مهمی در توسعه کالبدی و فضایی، ایجاد فضاهای عمومی و توسعه اقتصادی و اجتماعی بسیاری از مناطق شهری (شاه حسینی، ۱۳۸۹؛ صفایی پور، سیاحی، شوشتری، و داری پور، ۱۳۹۳؛ عشایر سلطانی، ۱۳۸۰) داشته است. این موضوع، به ویژه در شهری مانند مشهد از اهمیت خاصی برخوردار است، چرا که ساختار اقتصادی، اجتماعی و فضایی شهر مشهد دارای ویژگی هایی است که به طور عمده به عوامل مذهبی و زیارتی مثل موقوفات و اقتصاد زیارتی وابسته است و یکی از عوامل مهم موثر در نحوه شکل گیری شهر مشهد و ساختار کالبدی- فضایی آن، موقوفات عظیم آستان قدس رضوی است که در طول تاریخ گسترش و تکامل پیدا کرده است (بی نا، ۱۳۸۶: ۱۱). در حال حاضر نیز، بیش از نیمی از

1. Saduman& Aysun
2. Ghazaleh

اراضی شهر مشهد وقف است که بخش اعظم آن مربوط به موقوفات آستان قدس رضوی است (دهقان، ۱۳۸۴: ۵).

با توجه به رویکرد تامین نیازهای اساسی در تعریف مفهوم توسعه و بر طبق شواهد تاریخی موجود، هر چند نهاد وقف در دوره های مختلف، از حیث تامین نیازهای مادی، معنوی و زیست محیطی شهر مشهد بر توسعه در این شهر تاثیر گذار بوده است، اما این تاثیر در هیچ دوره تاریخی مانند دوره تیموری و صفویه تقویت نشده است (اکبری، ۱۳۹۹: ۵)، به طوریکه از دوره زمامداری تیموریان بویژه شاهرخ تیموری به عنوان سرآغاز اثرگذاری وقف بر توسعه در مشهد یاد می شود. چرا که شاهرخ پس از رسیدن به حکومت در صدد رفع خرابیها و عمران و آبادانی شهرهای مختلف خراسان از جمله توس و مشهد برآمد و در این میان وقف مورد توجه ویژه ای قرار گرفت (قصابیان، ۱۳۷۷؛ سیدی، ۱۳۸۲). روی کار آمدن حکومت صفویه و توجه شاهان صفوی به مشهد موجب شد که در کنار افزایش کمی موقوفات، وقف نقش مهمی در بهبود وضعیت مادی و معنوی مردم این شهر ایفا نموده و رفع بسیاری از نیازهای ضروری از جمله مشکل کم آبی و تاسیس فضاهای عمومی شهری از قبیل مساجد، کاروان سراها، مدارس، حمام و بیمارستان ها از طریق وقف انجام گیرد (دهقان، ۱۳۸۴؛ شهیدی، ۱۳۹۴؛ قصابیان، ۱۳۷۷؛ سیدی، ۱۳۸۲؛ فاضل بسطامی، ۱۳۹۰). تاسیس مدارس وقفی متعدد در این دوره نیز در ایجاد تحول علمی در مشهد نقش موثری ایفا نمود، به طوریکه از دوره صفویه به عنوان دوران طلایی وقف در مشهد یاد می شود (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۲: ۱). در مقایسه با دوره صفویه و به رغم تداوم تاریخی وقف، تاثیر نهاد وقف بر توسعه شهر مشهد در دوره های دیگر، از حیث تامین نیازهای ضروری این شهر، روند نزولی به خود گرفته و تضعیف شده است (اکبری، ۱۳۹۹: ۵). این تضعیف بویژه در دوره حکومت پهلوی قابل توجه است، چرا که هر چند به لحاظ آماری در بخشی از این دوره با کاهش و در بخشی با افزایش موقوفات در مشهد مواجه هستیم (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۲: ۲۳۱-۲۲۹)، اما به طور کلی وقف در این دوره، در یکی از بدترین شرایط خود قرار داشته و نه تنها بسیاری از موقوفات مصادره و از حالت وقف خارج شدند، بلکه

موقوفات شاخص و اثرگذار مشهد چون مسجد گوهرشاد و مدرسه عباسقلی خان به جهات مختلف از شرایط مساعدی برخوردار نبوده و بسیاری از رقبات^۱ آنها از بین رفته و این موقوفات حتی برای ادامه حیات خود نیز با مشکل مواجه بوده اند (سیدی، ۱۳۸۶؛ نوایی و ملک زاده، ۱۳۸۴).

مسئله تقویت تاثیر نهاد وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره های تیموری و صفویه و تضعیف این تاثیر در دوره پهلوی، بیانگر وجود عواملی است که ظرفیت توسعه ای نهاد وقف در این شهر را تحت تاثیر قرار داده و شناخت آنها می تواند به افزایش کارایی نهاد وقف در امر توسعه و بهره گیری هر چه بیشتر از ظرفیت آن در جهت رفع نیازها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم مشهد منجر گردد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، شناخت عواملی است که موجب تقویت تاثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره های تیموری و صفوی و تضعیف این تاثیر در دوره پهلوی شده اند. بر این اساس، سؤال اصلی پژوهش آن است که چگونه و تحت تاثیر چه عوامل و شرایطی، تاثیر نهاد وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره های تیموری و صفویه تقویت و در دوره پهلوی تضعیف شده است؟

۲. مبانی نظری تحقیق

۲.۱. تعریف مفاهیم تحقیق

۲.۱.۱. نهاد وقف

در بیشتر کتب فقهی، وقف به معنای تحبیس الأصل و تسبیل المنفعه یا اطلاق المنفعه به مفهوم نگهداری مال و رها کردن منفعت آن آمده است (نیازی، جعفرپور، و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۴: ۱۶-۱۵). همچنین مطابق ماده ۵۵ قانون مدنی، وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود (امامی، ۱۳۸۳: ۳۵). اما از آنجایی که در پژوهش حاضر وقف به مثابه یک نهاد مورد نظر می باشد، لذا توجه به تعاریف ارائه شده از

۱. به هر واحد از مال موقوفه که به تنهایی قابل انتفاع است اصطلاحاً «رَقَبَه» گفته می شود.

نهاد ضروری به نظر می‌رسد. در جامعه‌شناسی، نهاد نظامی است به نسبت پایدار و سازمان یافته از الگوهای اجتماعی از قبیل باورها، سنت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که برخی از رفتارهای نظارت شده و یکسان را با هدف برآوردن نیازهای اساسی جامعه، در بر می‌گیرد (کوئن، ۱۳۹۳: ۱۴۷). به اعتقاد ویکتور نی^۱ نهاد سیستم مسلطی از عناصر به هم وابسته رسمی (قوانین، مقررات) و غیر رسمی (عرف، هنجارها) است که کنشگران کنش‌های خود را هنگام تعقیب منافعشان بر محور آنها تنظیم می‌کنند (نی، ۲۰۰۳: ۲۳). بر اساس این تعریف، مجموعه‌ای از محدودیت‌های رسمی و غیر رسمی رابطه بین اجزا و عناصر مختلف در نهاد وقف را تنظیم نموده و مجرای برای کنش جمعی کنشگران عرصه وقف است از جمله واقفان و متولیان را فراهم می‌آورد. بنابراین، تعریف وقف به مثابه یک نهاد عبارت است از: نظامی متشکل از مجموعه‌ای از قوانین رسمی، مقررات سازمانی و هنجارها و باورهای اجتماعی که کنشگران فردی و سازمانی عرصه وقف کنش‌های خود را بر محور آنها تنظیم نموده و کارکردهای مختلفی را در جهت رفع نیازهای جامعه ایفا می‌نماید.

۲. ۱. ۲. توسعه

ادبیات مربوط به توسعه نشان می‌دهد که معنای این مفهوم در هر دوره زمانی تغییر کرده و با توجه به شرایط هر دوره، تعریفی از توسعه بیشتر مورد نظر بوده است. از جمله رویکردهای مطرح در تعریف مفهوم توسعه، رویکرد تامین نیازهای اساسی است که در ذیل رویکردهای انسان محور به توسعه قرار می‌گیرد. این رویکردها، به پایداری نیازهای اساسی انسان مانند تغذیه و سرپناه و آزادی‌های انسانی شامل حقوق سیاسی، امکانات اقتصادی و بخت‌های اجتماعی و توسعه انسانی که موجب بسط انتخاب‌های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌شود منجر می‌گردد (مگیس و شین^۲، ۲۰۰۹: ۴). لذا، تامین نیازهای اساسی و در نتیجه از میان برداشتن فقر مطلق، باید در برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه اولویت نخست باشد (هانت، ۱۳۸۶: ۳۰۰). این نیازهای اساسی عبارتند از: حداقل نیازهای

1. Victor Nee

2. Magis & Shinn

مصرفی مانند غذا، مسکن و پوشاک، بر خورداری از خدمات عمومی و ضروری مانند آب آشامیدنی سالم، بهداشت، آموزش، سلامت و حمل و نقل، دسترسی به اشتغال دستمزدی با مزایای مکفی و تامین نیازهای کیفی مانند برقراری محیط سالم و ایمن و مشارکت مردم در تصمیم گیری ها (مگیس و شین، ۲۰۰۹: ۲۰). از این منظر، در فرایند توسعه سه دسته هدف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی و بر مبنای آن سه محیط و سه بعد اصلی وجود دارد. بعد اقتصادی، به رشد اقتصادی و سایر پارامترهای اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارایی منابع طبیعی و توزیع عادلانه منافع حداکثر شود. بعد اجتماعی به رابطه انسان و انسان، ارتقا، رفاه فرد، سلامت، بهداشت، خدمات آموزشی، توسعه فرهنگ های مختلف و برابری و رفع فقر مربوط است. بعد زیست محیطی با حفاظت و تقویت پایه منابع فیزیکی، بیولوژیکی و اکوسیستم مرتبط است و به رابطه طبیعت و انسان می پردازد (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵: ۶۳). بنابراین، در پژوهش حاضر، توسعه فرایندی است که در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی به بهبود وضعیت جوامع انسانی می انجامد.

۲.۲. چارچوب نظری تحقیق

بر اساس مفروضات رویکرد کارکردگرایی، نهاد وقف کارکردهای گوناگونی در عمران و آبادانی، ارضای روانی و عاطفی واقفان، کمک به فقیران و نیازمندان و انجام مراسم عبادی و مذهبی ایفا می کند (نیازی، جعفرپور، و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۴: ۸۲-۸۱). در همین راستا، پروفیسور اِکارت اِهلرز^۱ اهمیت اقتصادی- اجتماعی نهاد وقف در جوامع اسلامی را در چهار کارکرد عمده خلاصه می نماید. نخستین کارکرد؛ به تهیه و تدارک قسمت اعظم وظایف و مراسم دینی از جمله سازماندهی، تقبل و تامین تمام یا قسمتی از هزینه های جاری و تعمیرات و مرمت مساجد، حوزه های علمیه و حسینیه ها، برگزاری مراسم عزاداری و اعیاد و جشن های مذهبی اشاره دارد. کارکرد دوم؛ کمک های گوناگون به فقراء، بینویان، دانش آموزان و مدارس شهری و اداره و نگهداری برخی از بیمارستان ها، حمام ها، آب انبارها و انجام سایر امور خیریه و عام المنفعه را شامل می شود. کارکرد سوم؛ به تامین

1. Eckart Ehlerz

مساکن ارزان قیمت برای مردم نادر و واگذاری زمین های وقفی با اجاره طولانی مدت به مردم می پردازد و در نهایت کارکرد آخر که کارآفرینی است موجب می شود که جمع زیادی از شاغلین به طور مستقیم در املاک، اماکن متبرکه و سازمان های اوقاف شهرها و کشورهای اسلامی به کار اشتغال داشته باشند (اهلرز، ۱۳۷۴: ۵۳-۵۲). نهاد وقف همچنین از نظر کالبدی، نوعی پیوستگی و وحدت فضایی بین مناطق و محلات مختلف شهر ایجاد می کرده است (شهابی، ۱۳۸۳: ۱۴۰). در همین راستا، آندره ریمون، وقف را یک موضوع قابل توجه در شکل دادن به سازمان فضایی شهر و کمک به گسترش فعالیت های شهری می دانست (ریمون، ۱۳۷۰: ۳۳-۳۲).

ساختارگرایی، رویکرد نظری دیگری است که در بررسی نهاد وقف می تواند مورد توجه قرار گیرد، بر اساس این رویکرد، ساخت مجموعه ای از اجزا و عناصر به هم پیوسته است که با یکدیگر دارای ارتباط می باشند. چنانچه از این دیدگاه نهاد وقف بررسی شود، باید اجزای آن به ویژه سازمان و اداره اوقاف مطالعه شود. اوقاف سازمانی است که کارایی خود را با نیازهای اداری و انسانی وفق می دهد. این نگرش می تواند مسائل و مشکلات سازمان اوقاف و ارتباط آن با نهادها، سازمان های اجتماعی و چگونگی مدیریت اماکن وقفی برای حل مسائل موجود را مطالعه نماید و آنها را به سنجش درآورد (نیازی، جعفرپور، و کارکنان نصر آبی، ۱۳۹۴: ۸۳).

بر اساس رویکرد نو نهادگرایی در جامعه شناسی اقتصادی^۱ که رویکرد نظری مورد توجه پژوهش حاضر نیز می باشد، نهاد عبارت است از: «یک سیستم از عناصر به هم وابسته رسمی (قوانین رسمی، قواعد و مقررات سازمانی) و غیر رسمی (سنت، باورها، عرف، هنجارها) که کنشگران، کنش های خود را هنگام تعقیب منافعشان بر محور آنها تنظیم می کنند» (نی، ۲۰۰۳: ۲۳). در واقع، کنشگران اعم از افراد و سازمان ها، منافع و علایق واقعی خود را در ساختارهای نهادی به هم پیوسته دنبال می کنند. نو نهادگرایی در جامعه شناسی اقتصادی هرگونه تغییر نهادی که در نهایت به تغییر در کارکردهای یک نهاد منتهی می شود

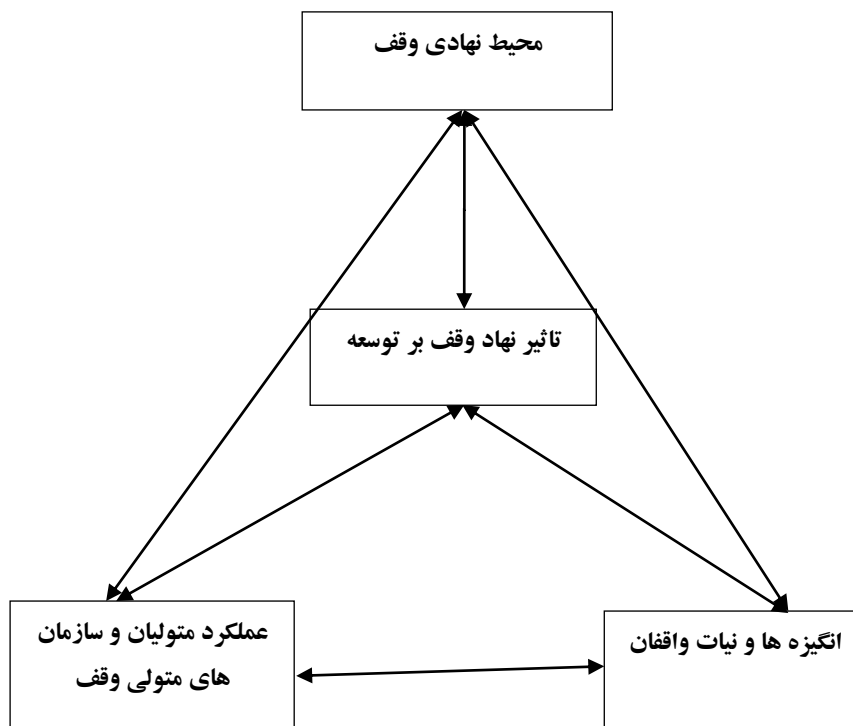
1. New Institutionalism In Economic Sociology

را نتیجه بر هم کنش عواملی در سطوح نهادی، سازمانی و فردی می‌داند. به طوریکه در سطح کلان و نهادی، محیط نهادی^۱ قرار دارد که قواعد تنظیمی رسمی که بوسیله دولت کنترل و اجرا می‌شود را در بر می‌گیرد. هرگونه تغییر در محیط نهادی از یک سو، نیت و انگیزه های کنشگران سطح فردی را تغییر داده و از سوی دیگر در سطح میانی و سازمانی، به تغییر قواعد بازی برای سازمان ها می‌انجامد. در سطح سازمانی، سازمان هایی اعم از بنگاه های تجاری و سازمان های غیر انتفاعی قرار دارند که با هدف کسب منفعت و یا مشروعیت از طریق فرایند هم ریختی، ساختار خود را با قواعد بازی تغییر یافته در محیط نهادی، مطابقت داده و از طریق فرایند های نظارت و کنترل (مانند قواعد اداری) منطبق با محیط نهادی، موجب تغییر در نیت و انگیزه های کنشگران می‌شوند. همچنین این سازمان ها، از طریق همکاری و کنش جمعی که با یکدیگر دارند می‌توانند تغییراتی را در قواعد بازی محیط نهادی ایجاد نمایند. در سطح خرد و فردی نیز کنشگرانی قرار دارند که با هدف دست یابی به منافع مادی و یا غیر مادی، کنش خود را انجام می‌دهند. این کنشگران در انجام کنش خود از آزادی کامل برخوردار نیستند، و نیت و انگیزه های آنها می‌تواند با هر گونه تغییر در قوانین رسمی، قواعد اداری و باورها و هنجارهای اجتماعی موجود در روابط اجتماعی تغییر کند. از طرف دیگر، این کنشگران از طریق رد یا قبول هنجارهای اجتماعی می‌توانند تغییراتی را در محدودیت های رسمی محیط نهادی و عملکردهای سازمانی بوجود آورند (همان: ۳۵-۲۵).

با توجه به رویکرد نونهادگرایی در جامعه شناسی اقتصادی، در هر جامعه ای نهاد وقف دارای یک محیط نهادی است که این محیط مجموعه ای از محدودیت های رسمی (قوانین، مقررات) را شامل می‌شود که کنشگران فردی و سازمانی عرصه وقف، کنش های خود را با هدف دست یابی به اهداف مادی و یا معنوی، بر محور آنها تنظیم نموده و کارکردهایی را در جهت رفع نیازهای ضروری جامعه ایفا می‌نماید. لذا، تغییر در کارکردهای نهاد وقف از حیث تاثیری که این نهاد بر توسعه می‌گذارد به رابطه متقابل عواملی در سطوح نهادی،

1. Institutional Environment

سازمانی و فردی بستگی دارد. در سطح کلان و نهادی، محیط نهادی وقف قرار دارد که در قالب سیاست دولت یا حکومت در قبال وقف به خصوص از طریق وضع قوانین رسمی خود را نشان می‌دهد. محیط نهادی، هم بر عملکرد متولیان و سازمان‌های متولی وقف و هم بر شکل‌گیری نیت و انگیزه‌های واقفان تاثیر می‌گذارد. در سطح میانی و سازمانی، متولیان و سازمان‌های متولی وقف قرار دارند که عملکرد آنان در عمل به نیت واقفان و حفظ و توسعه موقوفات، محیط نهادی وقف و نیت و انگیزه‌های واقفان را تحت تاثیر قرار می‌دهد. در سطح خرد نیز واقفانی هستند که نیت و انگیزه‌های آنها از یک طرف بر محیط نهادی وقف و از طرف دیگر بر عملکرد متولیان و سازمان‌های متولی وقف تاثیر می‌گذارد. به طوریکه، وجود محیط نهادی حامی وقف، عملکرد موثر متولیان و سازمان‌های متولی وقف در حفظ و توسعه موقوفات و تقویت انگیزه‌های معنوی واقفان و افزایش اثرگذاری نیت آنها، تاثیر وقف بر توسعه را تقویت و بالعکس، وجود یک محیط نهادی ضعیف، سوء مدیریت متولیان و سازمان‌های متولی وقف و تضعیف انگیزه‌های معنوی واقفان و کاهش اثرگذاری نیت آنها، این تاثیر را تضعیف می‌نماید.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

شکل ۱ در قالب مدل نظری پژوهش، عواملی که بر طبق رویکرد نونهادگرایی در جامعه شناسی اقتصادی، تأثیر نهاد وقف بر توسعه را تقویت و یا تضعیف می کنند نشان می دهد.

۳. روش تحقیق

پژوهش حاضر با استفاده از روش تطبیقی- تاریخی انجام شده است. روش تطبیقی- تاریخی یک روش مورد محور است و محقق به جای یک مورد با تعداد معدودی از موردها یا چند واحد تحلیل سرو کار دارد. در این روش، یک واقعه در درون چند واحد اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد (طالبان، ۱۳۹۳؛ ریگین، ۱۳۹۷؛ ساعی، ۱۳۹۲). در روش تطبیقی- تاریخی، تحلیل تفسیری- تاریخی و تحلیل تبیینی حضور همزمان دارند. در تحلیل تفسیری- تاریخی، واقعه مورد مطالعه در زمینه اجتماعی خاص خود قرار داده شده و با کمک تئوری

به تحلیل آن واقعه پرداخته می‌شود. در تحلیل تبیینی که علت کاوانه است، سعی می‌شود واقعه مورد پژوهش همراه با حضور و غیاب شروط علی در سطح واحدهای کلان اجتماعی تحلیل شود (ساعی، ۱۳۹۲: ۹۳).

سه دوره تیموری، صفویه و پهلوی در شهر مشهد موردهای پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند. این دوره‌ها در دو سطح درون‌موردی و بین‌موردی و با به‌کارگیری تلفیقی از استراتژی‌های اسمی و روایتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. تلفیق استراتژی‌های مذکور واجد این مزیت است که به محقق کمک می‌نماید تا با خنثی نمودن محدودیت‌های مرتبط با هر یک از این استراتژی‌ها توسط دیگری، به تحلیلی متوازن دست یابد (طالبان، ۱۳۹۲: ۱۸۶). بر این اساس، در سطح درون‌موردی با توجه به مدل نظری پژوهش به تحلیل روایی هر یک از عوامل علی مدل و پیامد آن (معلول) پرداخته شده است. در سطح بین‌موردی نیز از روش توافق و روش غیرمستقیم اختلاف‌میل برای شناسایی عواملی که تاثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد در هر یک از دوره‌های مذکور را تقویت و یا تضعیف کرده‌اند، استفاده شده است. به این منظور، با توجه به نتایج تحلیل روایی انجام شده در سطح درون‌موردی، وضعیت هر یک از عوامل علی و پیامد مورد بررسی در هر کدام از دوره‌های تیموری، صفویه و پهلوی در قالب یک جدول مقایسه اسمی به صورت حضور و عدم حضور یا بله و خیر مشخص گردید. در این مرحله، به هر کدام از متغیرهای تبیینی و متغیر پیامدی یک عدد در سطح سنجش ترتیبی اختصاص داده شد که کمینه آن ۱ و بیشینه آن ۴ بود. به طوریکه در صورت عدم وجود عامل مورد نظر، رتبه ۱ به آن عامل داده شد. رتبه ۲ به معنای وجود بخش اندکی از عامل و پدیده مورد نظر بود. رتبه ۳ هنگامی به عاملی داده می‌شد که پدیده دارای اثر بود، ولی وجود آن کامل و تمام نبود. رتبه ۴ نیز به معنای وجود و تاثیر کامل پدیده مورد نظر بود. در نهایت، در جدول مقایسه اسمی، رتبه‌های ۱ و ۲ معادل با خیر و رتبه‌های ۳ و ۴ معادل با بله در نظر گرفته شدند.

۳.۱. سنجش متغیرهای تحقیق

۳.۱.۱. توسعه

در تحقیق حاضر بر اساس تعریفی که قبلاً از توسعه ارائه شد، توسعه دارای ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی است که به دلیل فقدان منابع و دشواری دسترسی محققین به اطلاعات کامل مربوط به دوره های مورد بررسی، به ناچار شاخص هایی از هر بعد مورد توجه قرار گرفت که امکان دست یابی به اطلاعات مربوط به آنها از خلال منابع تاریخی در دسترس، میسر باشد. بر این اساس، در بعد مادی و اقتصادی توسعه و تاثیری که وقف بر این بعد داشته است حجم سرمایه فیزیکی انباشته شده در موقوفات مشهد از طریق حجم و گستردگی رقبات وقفی و تنوع موارد مصرف آنها در ارتباط با تامین نیازهای مادی مردم این شهر (از جمله تامین آب و مایحتاج ضروری زندگی) مورد توجه قرار گرفت. در بعد اجتماعی به تامین نیازهای اجتماعی و معنوی مردم مشهد بویژه ارتقای سطح دانش، آگاهی و سلامتی آنها از طریق تاسیس مدارس، مساجد، حوزه های علمیه و بیمارستان های وقفی توجه شد. در بعد محیطی توسعه نیز گسترش کالبدی و فیزیکی شهر مشهد از طریق اراضی و بناهای وقفی و توسعه و نوسازی حرم مطهر رضوی از طریق موقوفات، مورد توجه قرار گرفت.

۳.۱.۲. محیط نهادی وقف

با توجه به تعریفی که در رویکرد نونهادگرایی در جامعه شناسی اقتصادی از محیط نهادی ارائه شد، محیط نهادی وقف در هر دوره با توجه به سیاست دولت یا حکومت آن دوره نسبت به وقف، بویژه در قالب وضع قوانین رسمی بررسی گردید.

۳.۱.۳. عملکرد متولیان و سازمان های متولی وقف

عملکرد متولیان و سازمان های متولی وقف در هر دوره با توجه به اقدامات آنها در جهت حفظ و توسعه موقوفات آن دوره بررسی شد.

۳. ۱. ۴. انگیزه‌ها و نیت واقفان

برای بررسی انگیزه‌ها و نیت واقفان، به منابع و خصوصاً وقف نامه‌های شاخص و در دسترس هر دوره مراجعه شد. همچنین اثرگذاری نیت واقفان نیز با توجه به پایگاه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها در جامعه، موارد مصرف مورد نظر آنها از حیث توجه به نیازهای ضروری جامعه، کثرت و تنوع رقباتی که وقف کرده‌اند و شروط مختلفی که مد نظر قرار داده‌اند، بررسی گردید.

۳. ۲. اعتبار و پایایی تحقیق

از آنجایی که استفاده از تکنیک‌های تثلیث، نظیر استفاده از منابع تاییدگر، محققان و روش‌های متعدد در طی فرآیند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها از روش‌های افزایش اعتبار تحقیق کیفی است (عباس زاده، ۱۳۹۱: ۲۳). در تامین اعتبار پژوهش حاضر نیز، اولاً؛ از اسناد و منابع معتبر و متعددی استفاده شد، ثانیاً؛ برای کاهش سوگیری فردی محقق، نظرات داوران (اساتید) و همسازی و توافق آنها با داده‌ها و نتایج تحقیق مورد توجه قرار گرفت و ثالثاً؛ در بحث روش‌شناسی نیز از تلفیقی از استراتژی‌های اسمی و روایتی استفاده گردید.

۴. یافته‌های تحقیق

۴. ۱. یافته‌های درون‌موردی

در این قسمت، به دلیل رعایت اصل اختصار، فقط اشاراتی به شواهد مربوط به عوامل علی و پیامد حاصل از آن در هر کدام از دوره‌های مورد بررسی شده و یا اینکه صرفاً نتایج آنها آورده شده است. لذا به ناچار جویندگان تفصیلات بیشتر را به اصل رساله انجام شده (اکبری، ۱۳۹۹) که مشتمل بر توضیحات و منابع متعددی در مورد هر دوره می‌باشد، ارجاع می‌دهیم.

۴. ۱. ۱. دوره تیموری

شواهد موجود در خصوص عامل محیط‌نهادی وقف در مشهد دوره تیموری بیانگر آن است که به رغم حضور قوانین شرعی مربوط به وقف، قوانین رسمی و حکومتی خاصی در

حمایت از وقف و موقوفات وجود نداشته است، اما در سایه توجه ویژه سلاطین تیموری و به خصوص شاهرخ میرزا به شهر مشهد، عمران و آبادانی این شهر از طریق وقف مورد توجه قرار گرفته است (قصابیان، ۱۳۷۷: ۱۶۵-۱۶۴؛ سیدی، ۱۳۸۷: ۶۲-۵۹؛ سیدی، ۱۳۸۲: ۴۸-۴۷)، چنانکه، گوهرشاد خاتون همسر شاهرخ، پس از اتمام بنای مسجد گوهرشاد رقبات بسیاری از اموال خالصه خود را وقف بر آن نمود (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱: ۸؛ یزدی مطلق، ۱۳۸۰: ۱۸۸). از طرفی در این دوره، وقف مورد حمایت افراد دیگری از امرا و اشراف لشکری و کشوری قرار داشته که معروفترین آنها امیر علیشیر نوایی وزیر معروف سلطان حسین بایقرا بوده است که در زمان او نیمی از صحن عتیق (انقلاب اسلامی کنونی) و ایوان امیر علیشیر نوایی (ایوان طلا) بر مجموعه بناهای موجود در آستان قدس رضوی اضافه شد (قصابیان، ۱۳۷۷: ۱۷۳-۱۷۲؛ سیدی، ۱۳۸۲: ۴۹-۴۸). بنابراین، در سایه توجه سلاطین و امرای تیموری به وقف و ایجاد موقوفات متعدد توسط آنها، یک محیط نهادی قوی برای وقف در شهر مشهد شکل گرفته که در ذیل آن، وقف مورد تشویق و حمایت دستگاه حکومتی قرار داشته است. لذا با توجه به توضیحات ارائه شده، به عامل محیط نهادی وقف در مشهد دوره تیموری، نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با بله در جدول مقایسه اسمی است.

در خصوص عامل عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف در مشهد دوره تیموری باید گفت که در این دوره، تشکیلات اداری خاصی که متولی وقف و موقوفات کشور باشد وجود نداشته و اداره امور اوقاف توسط مقامی به نام صدر یا صدرالصدور انجام می شده است (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱: ۱۱؛ خواند میر، ۱۳۳۳: ۶۳۹). انتخاب این مقام نیز غالباً از میان سادات هر شهر بوده است (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ۱۷۶). در شهر مشهد سادات موسوی برای خویش نقیبانی انتخاب می کردند و این نقبا که از قدرت و اهمیت خاصی برخوردار بودند، اداره حرم حضرت رضا (ع) و موقوفات آن را بر عهده داشتند (سیدی، ۱۳۸۲: ۴۶؛ سیدی، ۱۳۸۷: ۶۰). در مورد موقوفات دیگر مشهد در این دوره، تولید عمدتاً به خود واقف و اعقاب او به صورت نسل بعد نسل تعلق داشته است. وضعیت عملکرد

تولیت در شاخص‌ترین موقوفه این دوره یعنی موقوفه گوهرشاد بیانگر آن است که در یک بازه زمانی ۳۳۱ ساله، مسجد گوهرشاد دارای متولی رسمی بوده و به رغم تحولات تاریخی صورت گرفته در طی این دوره، موقوفات مسجد نسبتاً از تعرض و تعدی روزگار مصون مانده و تنها چند رقبه از موقوفات گوهرشاد از تصرف وقف خارج شده است (سیدی، ۱۳۸۶: ۲۴۸-۲۴۷). این امر تا حدودی نشان دهنده عملکرد موفق متولیان در حفظ و توسعه موقوفات مشهد در دوره تیموری می‌باشد. بنابراین، به عملکرد متولیان موقوفات در مشهد دوره تیموری نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با بله در جدول مقایسه اسمی است.

شواهد موجود در خصوص عامل نیت و انگیزه‌های واقفان مشهد در دوره تیموری حاکی از آن است که واقفان این دوره، در انجام و ققیات خود انگیزه‌های متفاوتی داشته‌اند که مشروعیت بخشیدن به تملک زمین، انگیزه‌های مذهبی، سیاسی، اقتصادی، جلوگیری از غصب اموال و احسان و خیرخواهی از آن جمله بوده است (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱: ۱۳). با این وجود، از آیات، روایات و اشعار به کار رفته در مقدمه وقف نامه‌ها و تاکید واقفان بر ناپایداری زندگی دنیوی و لزوم بر جای گذاشتن صدقه جاریه ای پس از مرگ (انزایی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸، سیدی، ۱۳۸۶)، اینگونه بر می‌آید که انگیزه‌های مذهبی و خدایسندانه، مهمترین انگیزه‌ای بوده که واقفان این دوره را به وقف اموالشان تشویق کرده است. بالا بودن پایگاه اقتصادی، اجتماعی واقفان مشهد در دوره تیموری که عمدتاً سلاطین، امرا و افرادی از خاندان سلطنتی بودند، اثرگذاری بیشتر نیت آنها را به همراه داشته است (انزایی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸). همچنین تامین نیازهای ضروری شهر مشهد از جمله تقویت مبانی دینی و آموزش علوم اسلامی، تامین هزینه‌های زوار مرقد مطهر رضوی و هزینه‌های مربوط به طلبه و اهل علمی که از شهرهای دیگر به قصد زیارت و تحصیل علوم دینی به مشهد می‌آمده‌اند مورد توجه واقفان این دوره، قرار گرفته است (پسندیده، ۱۳۸۰: ۴۱؛ انزایی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۴؛ سیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). کثرت و تنوع رقبات در نظر گرفته شده (اعم از دکاکین، قنوت، مزارع، باغ‌ها، چهارپایان و...) توسط واقفان برای تامین هزینه‌های موقوفات و گنجاندن شروط مختلف در وقف نامه‌ها توسط آنها با هدف حفظ و توسعه هر چه بیشتر

موقوفات (انزایی نژاد، ۱۳۸۸) از دیگر عواملی بوده که اثرگذاری بیشتر نیات واقفان مشهد در دوره تیموری را به همراه داشته است. بنابراین، به عامل نیات و انگیزه های واقفان مشهد در دوره تیموری، نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با بله در جدول مقایسه اسمی می باشد.

متغیر پیامدی تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد نیز حاکی از آن است که در دوره تیموری به دلایل مذهبی و از جمله وجود مرقد مطهر امام رضا (ع) موقوفات بسیاری ایجاد شد که تنوع و تعدد آنها از عوامل مهم شکوفایی و رونق مشهد در این دوره بوده است (عنبری و خالندی، ۱۳۹۱: ۱۵). یکی از مواردی که حکایت از تاثیر وقف بر بعد اقتصادی توسعه در شهر مشهد در عصر تیموری دارد، حجم زیاد سرمایه فیزیکی انباشته شده در موقوفات این دوره است. به طوریکه در وقف نامه های مربوط به مسجد گوهرشاد و مدرسه پریزاد تعداد زیادی از املاک، مزارع، باغ ها، قنوت، دکاکین، حمام و جویبارهای شهر مشهد به تصرف وقف درآمده است (انزایی نژاد، ۱۳۸۸؛ سیدی، ۱۳۸۶؛ سیدی، ۱۳۸۲؛ پسندیده، ۱۳۸۴).

مصارف مربوط به موقوفات این دوره نیز بیانگر آن است که در کنار توجه به نیازهای مادی از جمله اطعام فقرا و تامین هزینه های مسافران، در بعد اجتماعی توسعه نیز از طریق تاسیس مدارس و مساجد وقفی، همچون مدارس پریزاد، دودر و شاهرخی و مسجد گوهرشاد گام های مهمی از طریق واقفان در زمینه آموزش و تحکیم مبانی دینی در بین مردم مشهد و تربیت دینی آنها برداشته شده است (پسندیده، ۱۳۸۰: ۴۱؛ انزایی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۴؛ سیدی، ۱۳۸۶: ۱۲۲). در بعد محیطی توسعه نیز گستردگی رقبات وقفی و احداث بناهای شهری وقفی اعم از مدارس، مساجد و حمام ها موجب توسعه فیزیکی و فضایی شهر مشهد از طریق وقف در دوره تیموری گردید. در این دوره، وقف نقش مهمی نیز در معماری و توسعه فیزیکی حرم مطهر از طریق تاسیس مدارس وقفی بالاسر، دودر، پریزاد و مسجد گوهرشاد و ایوان های دارالسیاده، دارالحفاظ و دارالسلام ایفا کرد. اولین صحن و ایوان معروف به ایوان طلا نیز توسط امیر علیشیر نوائی بر مجموعه بناهای موجود در حرم مطهر رضوی اضافه گردید (سیدی، ۱۳۸۲: ۸۴؛ قصابیان، ۱۳۷۷: ۱۷۳). بنابراین، به پیامد مورد

بررسی یعنی تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد در دوره تیموری، نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با بله در جدول مقایسه اسمی می باشد.

۴. ۱. ۲. دوره صفویه

در خصوص محیط نهادی وقف در مشهد دوره صفوی، منابع موجود حاکی از آن است که به دلیل سیاست تثبیت مذهب تشیع در ایران و تشویق مردم به زیارت اماکن مقدسه داخلی، وقف مورد توجه و حمایت ویژه اکثر شاهان صفوی قرار داشته و بیشترین توسعه اوقاف مربوط به این دوره بوده است (نیازی، جعفرپور، و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۹۴: ۵۲). شهر مشهد نیز به دلیل دفع حملات ازبکان و ایجاد ثبات، امنیت و آرامش نسبی در آن، با استقبال روز افزون زائران مواجه گردید. به همین دلیل شاهان صفوی و به خصوص شاه عباس اول در سفرهای متعدد خود به مشهد با ایجاد موقوفات متعدد در صدد رفع ضروریات اهالی مشهد و زائران آن برآمدند (سیدی، ۱۳۹۲؛ سیدی فرخند، ۱۳۹۲؛ قصابیان، ۱۳۷۷؛ ایزدی، ۱۳۹۱). به این ترتیب، شهر مشهد در نیمه دوم سده یازده قمری به یکی از کانون های فرهنگی - آموزشی مهم کشور تبدیل شد و ایضاً وقف، چنان در مشهد رواج یافت که می توان اصلی ترین هویت این شهر در آن زمان را دو پدیده "وقف" و "فرهنگ" خواند (سیدی فرخند، ۱۳۹۲: ۳۱). به تبعیت از شاهان صفوی، امرا و دولتمردان حکومتی همچون خواجه عتیق منشی، الله وردی خان، مهدی قلی بیک میر آخور باشی و عباسقلی خان شاملو، موقوفات ارزشمندی در شهر مشهد ایجاد نمودند (انزابی نژاد، ۱۳۸۸). به این ترتیب، به رغم فقدان قوانین رسمی حکومتی در خصوص وقف و موقوفات در دوره صفویه، نهاد وقف در سایه قوانین شریعت به شدت مورد حمایت حکومت صفوی قرار داشته است. لذا، به عامل محیط نهادی وقف در مشهد دوره صفوی، نمره ۴ اختصاص داده شد که در جدول مقایسه اسمی معادل با بله می باشد.

در خصوص عامل عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف در مشهد دوره صفوی، شواهد حاکی از آن است که شالوده تشکیلات اداری اوقاف از زمان صفویان آغاز شده است. در تشکیلات مذکور، صدر الصدور عالی ترین مقامی بود که از بین سادات و به

طور مستقیم زیر نظر شاهان صفوی انتخاب می شد و نظارت و رسیدگی به امور اوقاف کشور را بر عهده داشت (شهابی، ۱۳۴۳: ۱۰؛ نوایی و احمدی، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۴). در این دوره، متولی آستان قدس رضوی همواره شاه بود. شاه نیز به جای خود نماینده ای را که عمدتاً از علما و سادات بود به نایب التولیه ای منصوب می کرد (میر احمدی، ۱۳۷۱: ۱۶۴). در زمان شاه اسماعیل، خواجه عتیق منشی نخستین فردی بود که با حکم شاه به تولیت رسمی آستان قدس درآمد (انزابی نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۹). شاه عباس نیز به سادات رضوی شهر مشهد خصوصاً نقبای ایشان التفات خاصی داشت و تولیت آستان قدس را به ایشان سپرد (قصابیان، ۱۳۷۷: ۲۲۹). در خصوص سایر موقوفات نیز تولیت، عمدتاً به خود واقف و پس از مرگ او به اعقاب و خاصه اولاد ذکور با ذکر صفاتی همچون آسن، اکبر، اصلح، اتقی و اعلم واگذار می شده و در صورت انقراض نسل نیز یکی از صلحای مشهد و یا متولی آستان قدس رضوی به تولیت موقوفات منصوب می شده اند (انزابی نژاد، ۱۳۸۸). هر چند وضعیت اداره موقوفات شاخص مشهد نظیر موقوفه گوهرشاد در دوره صفوی، حکایت از عملکرد مطلوب متولیان در حفظ و توسعه موقوفات در این دوره دارد (سیدی، ۱۳۸۶: ۲۴۸-۲۳۴)، اما شروط گنجانده شده در خصوص تولیت موقوفات در وقف نامه های این دوره، حکایت از دخالت برخی صدور و مستوفیان در اداره امور موقوفات دارد (انزابی نژاد، ۱۳۸۸). بنابراین به عملکرد متولیان موقوفات و سازمانهای متولی وقف در مشهد دوره صفویه نمره ۳ اختصاص داده شد که معادل با بله در جدول مقایسه اسمی می باشد.

به لحاظ نیات و انگیزه های واقفان، هر چند در مشهد عصر صفوی شکل گیری وقف های اولادی سادات رضوی و سروقدی ها، حکایت از انگیزه های مادی واقفان در جهت حفظ املاک و دارایی ها در بین فرزندان و خاندان خویش دارد، اما با دقت در وقف نامه های برجا مانده از این دوره در می یابیم که واقفان، عمدتاً بر پایه انگیزه های معنوی و غیر مادی همچون عمل به تعالیم دینی، برخورداری از اجر اخروی و کمک به تامین ضروریات شهر مشهد اقدام به وقف اموال خود نموده اند (انزابی نژاد، ۱۳۸۸). در دوره صفویه، وقف در بین مردم عادی مشهد کمتر رایج بوده و عمده واقفان این دوره را شاهان، افراد خاندان

سلطنتی، امرا، دولتمردان و صاحب منصبانی تشکیل می‌داده‌اند که از پایگاه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بالایی در جامعه برخوردار بودند (انزابی نژاد، ۱۳۸۸؛ شهیدی، ۱۳۹۴؛ سیدی فرخند، ۱۳۹۲). یکی از مهمترین ویژگی‌های مربوط به انگیزه‌ها و نیت واقفان مشهد در عصر صفوی که اثرگذاری بیشتر نیت آنها را نیز موجب شده است، توجه به نیازهای ضروری مشهد و تلاش در جهت رفع آنها بوده است. در واقع در این دوره، کمتر نیازی در شهر مشهد وجود داشته که از طریق وقف در جهت رفع آن اقدامی نشده باشد (شهیدی، ۱۳۹۴؛ انزابی نژاد، ۱۳۸۸). تنوع و گستردگی رقبات وقف شده، از دیگر مواردی است که ضمن ایجاد درآمد برای موقوفات، اثرگذاری بیشتر نیت واقفان را به همراه داشته است. همچنین، شروط مختلف در نظر گرفته شده توسط واقفان در وقف نامه‌های این دوره، امکان حفظ و توسعه هر چه بهتر موقوفات را فراهم آورده است (انزابی نژاد، ۱۳۸۸). بنابراین، به عامل نیت و انگیزه‌های واقفان مشهد در دوره صفویه، نمره ۴ اختصاص داده شد که معادل با بله در جدول مقایسه اسمی می‌باشد.

متغیر پیامدی تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد نیز حاکی از آن است که در بعد اقتصادی توسعه، حجم بالایی از سرمایه‌های فیزیکی در موقوفات مشهد در دوره صفویه انباشته شده بود. چنانکه بسیاری از مزارع، باغات و مستغلاتی نظیر دکاکین، بازارچه‌ها، طواحین (آسیاب)، کاروان سراها، قنوات و حمام‌هایی که در مشهد آباد و دارای درآمد بوده‌اند، به حالت وقف درآمده و بخش مهمی از نیازهای مادی ساکنان مشهد از جمله رفع مشکل کم آبی، کمک به فقرا و نیازمندان و تامین هزینه‌های خوراک، اسکان و رفت و آمد مسافران از طریق موقوفات تامین می‌شده است. در واقع در دوره صفوی کمتر نیازی در شهر مشهد وجود داشته است که از طریق وقف در جهت رفع آن اقدامی نشده باشد (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۲۱-۱۲۰). در بعد اجتماعی توسعه، نهضت تاسیس مدارس و مساجد وقفی از جمله مدارس خیرات خان، میرزا جعفر، فاضل خان، عباسقلی خان، سمیعیه، نواب، سعدیه، ابدال خان، بهزادیه، رضوان و مساجد امام رضا (ع)، نایب، آب انبار، و صدیقیها در کنار ایجاد موقوفاتی برای دار الشفاء و قرائت خانه حضرت و تشکیل مجالس روضه خوانی و تعزیه

داری خاندان رسول به تقویت و تحکیم مبانی دینی و مذهبی در بین مردم و ارتقای سطح دانش و سلامتی آنها منجر گردید (شهابی، ۱۳۴۳: ۷). در بعد محیطی توسعه در دوره صفویه نیز علاوه بر گسترش اراضی وقفی، بناهای سودمند شهری زیادی اعم از مدارس، مساجد، کاروانسراها و حمام ها از طریق وقف در مشهد احداث گردید (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۳۸ - ۱۳۰) که در توسعه فیزیکی و فضایی این شهر موثر بوده اند. در این دوره در ساختار فضایی شهر مشهد شاهد احداث اولین خیابان وقفی معروف به بالا خیابان و پایین خیابان می باشیم که توسط شاه عباس با هدف رفع مشکل کم آبی و انتقال آب چشمه گلسب (چشمه گیلان کنونی) به مشهد احداث گردید (سیدی فرخ، ۱۳۹۲: ۷۲؛ قصابیان، ۱۳۷۷: ۲۰۷). حرم مطهر رضوی نیز در دوره صفویه از جانب شمال و شرق با تاسیس گنبد الله وردی خان و گنبد حاتم خانی که موقوفات متعددی داشته اند، به لحاظ فیزیکی توسعه پیدا کرد (سیدی فرخ، ۱۳۹۲: ۸۵). بنابراین، به پیامد مورد بررسی یعنی تاثیر وقف بر توسعه مشهد در دوره صفوی، نمره ۴ اختصاص داده شد که در جدول مقایسه اسمی معادل با بله می باشد.

۴. ۱. ۳. دوره پهلوی

در خصوص محیط نهادی وقف در مشهد دوره پهلوی، شواهد دلالت بر آن دارد که طرح مدرنیزاسیون و علنی شدن سیاستهای اسلام ستیزانه رضا شاه و عطش سیری ناپذیر او در غصب املاک مرغوب وقفی موجب شد که قوانین مختلفی جهت دست درازی به موقوفات تصویب گردد. یکی از مهمترین این قوانین قانون مصوب سال ۱۳۲۰ بود که بر اساس آن وزارت دارایی به اسم تبدیل به احسن، رسماً مجوز خرید و فروش و تملک موقوفه ها را دریافت کرد (نوائیان رودسری، ۱۳۹۰ الف: ۶۴؛ نوائیان رودسری، ۱۳۹۰ ب: ۳۶). در زمان محمد رضا پهلوی نیز تصویب قانون اصلاحات ارضی یکی از اقداماتی بود که راه دست درازی به بسیاری از اراضی موقوفه را هموار کرد. به طوریکه، در ذیل اجرای مرحله اول و دوم این قانون، بسیاری از اراضی و قراء موقوفه شهر مشهد از حالت وقف خارج شده و یا به اجاره طویل المدت داده شدند (ازغندی، ۱۳۸۶: ۱۸۳؛ جلالی، ۱۳۷۸: ۱۲۶ - ۱۱۶). از جمله این موقوفات می توان به موقوفه سادات رضوی، موقوفه عبدالله رضوی و برخی

رقبات موقوفه گوهرشاد اشاره کرد (جلالی، ۱۳۷۸؛ نیک مهر، ۱۳۹۱). در زمینه املاک وقفی آستان قدس رضوی نیز پیش بینی شده بود که املاک این آستان به مدت ۹۹ سال به شرکتهای تعاونی اجاره داده شود (نیک مهر، ۱۳۹۱: ۱۲۷-۱۲۶). لذا به عامل محیط نهادی وقف در مشهد دوره پهلوی نمره ۱ اختصاص داده شد که معادل با خیر در جدول مقایسه اسمی می باشد.

شواهد موجود در خصوص عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف در مشهد دوره پهلوی بیانگر آن است که تا قبل از سال ۱۳۲۸ ه.ش اداره اوقاف خراسان در کنار اداره معارف و صنایع مستظرفه مشغول به فعالیت بوده و از این سال به بعد، از اداره معارف و صنایع مستظرفه جدا و به طور مستقل به کار خود ادامه داده است. از این تاریخ تا سال ۱۳۴۵ که زمان رسمی شکل گیری اداره اوقاف خراسان بود، افراد مختلفی ریاست این اداره را در دست گرفتند (نیک مهر، ۱۳۹۱: ۶۱-۵۹؛ صفری دهکردی، ۱۳۸۳: ۲۲)، اما به دلیل روند نزولی سیر اداری اداره اوقاف و تصویب قوانین محدود کننده وقف در تهران و ابلاغ آن به شهرستان ها، اداره اوقاف خراسان عملاً نتوانست نقش مهمی در حفظ و توسعه موقوفات مشهد در این دوره داشته باشد. تولید آستان قدس رضوی و موقوفات آن نیز بر عهده شاه بود و فردی از طرف او به نیابت تولیت منصوب می شد. از میان این نایب التولیه ها، معدود افرادی همچون محمد ولی خان اسدی و سید جلال الدین تهرانی اقدامات موثری در جهت حفظ و توسعه موقوفات انجام دادند. اما متأسفانه عملکرد دیگر نایب التولیه های آستان قدس، چندان رضایت بخش نبود و افرادی مانند پاکروان و ولیان به دلیل دستبرد به موقوفات آستان قدس و تخریب بناهای اطراف حرم، مورد بدبینی مردم قرار گرفتند (نیک مهر، ۱۳۹۱: ۱۷۰). نزاع بین وارثان برخی موقوفات و متولیان آنها خصوصاً در موقوفه عباسقلی خان، از دیگر شواهدی است که بیانگر عملکرد ضعیف متولیان موقوفات در مشهد عصر پهلوی می باشد (نوایی و ملک زاده، ۱۳۸۴). لذا، با در نظر گرفتن اقدامات مثبت متولیانی همچون اسدی، به عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف در مشهد دوره پهلوی نمره ۲ اختصاص داده شد که در جدول مقایسه اسمی معادل با خیر می باشد.

نیات و انگیزه های واقفان مشهد در دوره پهلوی حکایت از تقویت انگیزه های مادی دارد، به طوریکه بسیاری از زمین داران و کشاورزان مشهد از جمله حاج حسین آقا ملک، از ترس دست درازی حکومت و اجرای قانون اصلاحات ارضی، زمین های خود را وقف کردند (مرتضوی قصاب سرایی، ۱۳۸۷؛ نیک مهر، ۱۳۹۱). افزایش توجه به امور درمانی و بهداشتی مردم و زائران مشهد و همچنین توجه به مسایل آموزشی از دیگر ویژگی های نیات واقفان مشهد در این دوره بوده است (نیک مهر و وکیلی، ۱۳۹۱: ۲۳۴-۲۳۳). آمار پایین نیات اجتماعی واقفان مشهد در دوره پهلوی بیانگر آن است که به رغم گسترش شهر مشهد و افزایش جمعیت و در نتیجه پیدایش نیازهای جدید، تنها تعداد محدودی از واقفان، در نیات خود به رفع نیازهای روز و ضروری این شهر توجه داشته اند. رواج وقف در بین طبقات مختلف مردم، به ویژه مردم عادی موجب افزایش موقوفات خرد در این دوره شد که این موقوفات، از دوام و ماندگاری زیادی برخوردار نبودند. هر چند رقبات وقف شده توسط واقفان طیف متنوعی از رقبات مسکونی، تجاری، باغ، زمین، قنات و جویبار را در بر می گرفت، اما درصد بالای باغ و زمین های وقف شده نسبت به سایر رقبات وقفی، نشان می دهد که در این دوره کشاورزی هنوز از اهمیت زیادی در شهر مشهد برخوردار بوده است (همان: ۲۲۶-۲۲۴). کاهش شروط مورد نظر واقفان در حفظ و اداره موقوفات، عامل دیگری است که بر کاهش اثرگذاری نیات آنها در این دوره موثر بوده است. بنابراین، به عامل نیات و انگیزه های واقفان مشهد در دوره پهلوی نمره ۲ اختصاص داده شد که معادل با خیر در جدول مقایسه اسمی می باشد.

در خصوص متغیر پیامدی تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد باید گفت که به رغم ایجاد موقوفات متعدد در مشهد دوره پهلوی، نهاد وقف نتوانست تاثیر چندانی بر توسعه شهر مشهد در این دوره داشته باشد. چرا که تحت تاثیر اجرای سیاست ها و برنامه هایی چون قانون اصلاحات ارضی و تبدیل به احسن نمودن موقوفات و همچنین سوء عملکرد متولیانی مانند پاکروان و ولیان، بسیاری از موقوفات آستان قدس و رقباتی از موقوفات مهم مشهد همچون گوهرشاد، سادات رضوی و عباسقلی خان مورد دست درازی قرار گرفت و از

حالت وقف خارج گردید (نیک مهر، ۱۳۹۱؛ سیدی، ۱۳۸۶). این امر در بعد اقتصادی توسعه، به کاهش سرمایه های فیزیکی انباشته شده در موقوفات این دوره انجامید. همچنین به رغم گسترش شهر مشهد و افزایش جمعیت و در نتیجه پیدایش نیازهای جدید در این شهر، غیر از تعداد محدودی از واقفان، از جمله حاج حسین آقا ملک و عبدالله رضوی، دیگر واقفان این دوره در نیت خود توجه چندانی به رفع نیازهای ضروری مشهد نداشته اند (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۶۸). در بعد اجتماعی توسعه، با ورود مدرنیته و رواج افکار جدید در امر آموزش، وقف از انحصار مدارس علوم دینی خارج شد و و بالغ بر ده مدرسه و دبیرستان وقفی به سبک جدید از جمله دبیرستان قریشی، دبیرستان فردوسی و دبیرستان شاه رضا در شهر مشهد تاسیس گردید (نیک مهر، ۱۳۹۱: ۱۰۲-۹۶). همچنین، به رغم سیاست حکومت پهلوی در محدود سازی حوزه های علمیه و مدارس علوم دینی و چنگ اندازی به موقوفات آنها، موارد مصرف برخی از موقوفات مشهد در این دوره، به حوزه های علمیه اختصاص یافت (همان، ۱۱۱-۱۰۶). احداث و وقف مراکز درمانی از قبیل بیمارستان شاه رضا (از محل عواید حاصل از موقوفات آستان قدس رضوی) و بیمارستان منتصریه (از محل موقوفات رابعه خانم احترام السلطنه قهرمان) (همان، ۱۴۱-۱۴۰) نیز هر چند در بعد اجتماعی توسعه، ظرفیت مناسبی در شهر مشهد بوجود آورده بود، اما به دلیل سوء مدیریت متولیان و دخالت ها و دست درازی های حکومت، این موقوفات عملاً نتوانستند تاثیر چندانی بر توسعه مشهد داشته باشند. در بعد محیطی توسعه، از آنجایی که به دلیل دست درازی حکومت و سوء عملکرد متولیان، بسیاری از اراضی وقفی و رقبات موقوفات از حالت وقف خارج شدند، وسعت اراضی وقفی مشهد در دوره پهلوی کاهش پیدا کرد. تخریب و تبدیل به احسن شدن بسیاری از موقوفات این دوره نیز نقش وقف در توسعه کالبدی و فضایی شهر مشهد را کاهش داد. همچنین، تاثیر مستقیم وقف بر توسعه فیزیکی مجموعه بیوتات و صحن های حرم مطهر کاهش یافت و عمده اقدامات مربوط به نوسازی و توسعه

حرم، توسط متولیان آستان قدس و از محل درآمدهای مختلف آستانه از جمله درآمدهای حاصل از موقوفات مطلقه^۱ انجام گرفت (اکبری، ۱۳۹۹: ۱۸۴). بنابراین به رغم موقوفات ایجاد شده در دوره پهلوی، به پیامد مورد بررسی یعنی تاثیر وقف بر توسعه مشهد در این دوره، نمره ۲ اختصاص داده شد که در جدول مقایسه اسمی معادل با خیر می باشد.

۲.۴. یافته های بین موردی

جدول ۱. ارزش مقایسه اسمی برای تحلیل بین موردی

پیامد	عوامل و شرایط			موردها
	تقویت تاثیر وقف بر توسعه در مشهد	انگیزه ها و نيات واقفان	عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف	
۳ بله	۳ بله	۳ بله	۳ بله	مشهد دوره تیموری
۴ بله	۴ بله	۳ بله	۴ بله	مشهد دوره صفوی
۲ خیر	۲ خیر	۲ خیر	۱ خیر	مشهد دوره پهلوی

با توجه به آنچه که به کمک تحلیل روایی عوامل علی و پیامد حاصل در هر کدام از دوره های تیموری، صفوی و پهلوی در شهر مشهد به دست آمد، جدول ۱ برای انجام مقایسه های اسمی بین موردی طراحی گردید.

۱. در بین امنای آستان قدس، موقوفات این آستان به دو نام خاصه و مطلقه رایج است. موقوفات خاصه عبارت است از رقباتی که واقف و وقف نامه ی آن مشخص می باشد و موقوفات مطلقه نیز به موقوفات خاصه ای گفته می شود که اسناد و وقف نامه های آنها در انقلابات و غارت ها و یا به دلایل دیگر از بین رفته و در دسترس نمی باشد، لذا سعی شده است که در تمام قرون گذشته، درآمد این قبیل موقوفات به مصرف اقرب نظر واقفین اوقاف خاصه برسد و از آنجایی که مصارف بیشتر اوقاف خاصه به روشنایی، فرش، تعمیرات، حقوق خدمه، دستگیری از مستمندان و مصارف دیگر اختصاص یافته است، لذا مصارف موقوفات مطلقه هم باید شامل یکی از وجوه شروط عمومی سایر اوقاف خاصه در نظر گرفته شود (مولوی، ۱۳۵۳: ۴-۳).

مطابق جدول ۱، دو دوره تیموری و صفوی در مشهد مواردی هستند که پیامد مورد بررسی، یعنی تقویت تاثیر وقف بر توسعه در آنها اتفاق افتاده است. لذا، بر طبق روش توافق میل، هر سه عامل تبیینی یعنی محیط نهادی وقف، عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف و انگیزه ها و نيات واقفان که در هر دو مورد مثبت وجود داشته اند، به عنوان علل تقویت تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد پذیرفته می شوند. البته، از آنجایی که روش غیر مستقیم اختلاف به دلیل نزدیک بودن به طرح آزمایشی بر روش توافق رجحان دارد (طالبان، ۱۳۹۳: ۷۵). با اضافه نمودن دوره پهلوی به عنوان موردی که پیامد مورد نظر در آن رخ نداده است و با استفاده از روش غیر مستقیم اختلاف به تعیین علل تقویت تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد پرداخته شد. حاصل کاربرد روش غیر مستقیم اختلاف این بود که چون هر سه عامل یا مبیّن پیشنهادی در مواردی که تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد تقویت شده است (دوره های تیموری و صفوی) وجود دارند و در موردی که تضعیف شده است (دوره پهلوی) وجود ندارند، لذا هر سه مبیّن محیط نهادی وقف، عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف و انگیزه ها و نيات واقفان، دارای اهمیت علی برای تقویت تاثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد می باشند. تعبیر «اهمیت علی سه عامل» به جای «علیت سه عامل» به برخی محدودیت هایی اشاره دارد که در استفاده از روش های میل با آن مواجه می باشیم. یکی از این محدودیت ها مسأله «علیت متکثر یا ترکیبی» و «علیت عطفی یا متلاقی» است که روش های میل از بررسی آن ناتوان می باشند (طالبان، ۱۳۹۳: ۷۶-۷۵). در موضوع مورد بحث ما نیز این امکان وجود دارد که نه فقط صرف حضور مبیّن ها در کنار هم، بلکه تعامل و ترکیبی از حضور یا غیاب آنها عامل تقویت یا تضعیف تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد باشد. همچنین ممکن است تقویت تاثیر وقف بر توسعه شهر مشهد، پیامد چند عامل یا چند ترکیب از علل باشد که حضور هر کدام از آنها مستقل از عامل های دیگر، به تضعیف این تاثیر بیانجامد.

بر اساس یافته های بین موردی، در رویکرد نظری که برای تبیین تاثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد پیشنهاد شد، سه عامل، به عنوان شروط بالقوه لازم برای تقویت و یا تضعیف

تأثیر وقف بر توسعه در این شهر مورد توجه قرار گرفت. ولی در نظریه پیشنهادی، هیچ کدام از عامل ها به تنهایی به عنوان شرط کافی معرفی نشدند. بنابراین، بر اساس ارزش های جدول مقایسه اسمی از آنجایی که لزوم هیچ کدام از سه عامل ارائه شده در مدل نظری پژوهش را نمی توان ابطال کرد، لذا مدل پیشنهادی تایید می گردد. بر این اساس، تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد تابعی از (محیط نهادی وقف) و (عملکرد متولیان موقوفات و سازمان های متولی وقف) و (انگیزه ها و نیات واقفان) می باشد.

۵. نتیجه گیری

بر اساس یافته های به دست آمده از مقایسه اسمی و با توجه به روایت پردازی تاریخی انجام شده در قسمت تحلیل درون موردی، نتیجه گرفته می شود که بین محیط نهادی وقف و تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه رابطه وجود دارد، به طوریکه محیط نهادی حامی وقف موجب تقویت تأثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد در دوره های تیموری و صفوی شده، در حالیکه، محیط نهادی محدود کننده وقف در دوره پهلوی این تأثیر را تضعیف کرده است. همچنین، بین عملکرد متولیان و سازمان های متولی وقف و تأثیر وقف بر توسعه رابطه وجود دارد. به طوریکه عملکرد موثر متولیان و سازمان های متولی وقف در دوره های تیموری و صفوی، تأثیر وقف بر توسعه مشهد را تقویت و سوء عملکرد آنها این تأثیر را تضعیف کرده است. همچنین نتیجه گرفته می شود که بین انگیزه ها و نیات واقفان و تأثیر وقف بر توسعه رابطه وجود دارد، به طوریکه تقویت انگیزه های معنوی در بین واقفان و اثرگذاری بیشتر نیات آنها در دوره های تیموری و صفوی تأثیر وقف بر توسعه مشهد در این دوره ها را تقویت کرده و تضعیف انگیزه های معنوی و کاهش اثرگذاری نیات آنها در دوره پهلوی این تأثیر را تضعیف کرده است.

به لحاظ نظری و با بازگشت به مدل نتیجه گرفته می شود که هر چند رابطه متقابلی بین عوامل سطوح خرد، میانی و کلان در تقویت یا تضعیف تأثیر وقف بر توسعه وجود دارد، اما متغیر سطح کلان، یعنی محیط نهادی وقف، تأثیر بیشتری بر عملکرد متولیان موقوفات و

سازمان‌های متولی وقف در سطح میانی و انگیزه‌ها و نیات واقفان در سطح خرد داشته است، اما در طرف مقابل، عملکرد متولیان و انگیزه‌ها و نیات واقفان تاثیر چندانی بر تغییر محیط نهادی وقف نداشته است. بر اساس یافته‌های تحقق، این موضوع به خصوص در دوره پهلوی موجب شده است که علی‌رغم تداوم حیات وقف و اقدامات موثر برخی واقفان و متولیان، به دلیل تضعیف محیط نهادی وقف، باز هم این نهاد نتواند تاثیر زیادی بر توسعه شهر مشهد داشته باشد. در حالیکه در دوره‌های تیموری و صفویه، تحت تاثیر محیط نهادی شکل گرفته، انگیزه‌ها و نیات واقفان تقویت شده و متولیان نیز عملکرد بهتری در حفظ و توسعه موقوفات داشته‌اند (اکبری، ۱۳۹۹: ۲۱۰-۲۰۹).

به لحاظ روش‌شناسی نیز اگر چه ماهیت زمانمند بودن و زمینه بودن نهاد وقف و تاثیر آن بر توسعه، استفاده از روش تطبیقی- تاریخی را ایجاب کرد، اما انتخاب این روش محدودیت‌هایی به همراه داشت که دشواری دسترسی محقق به منابع دست اول به خصوص اسناد و وقف‌نامه‌ها و تعداد کم موردهای انتخاب شده که امکان استفاده از دیگر روش‌های تحلیل بین‌موردی مانند جبر بولی و یا تحلیل فازی را نمی‌داد، از جمله آنها بود. محرمانه تلقی شدن اطلاعات مربوط به موقوفات و واقفان از سوی سازمان‌های متولی وقف و پایین بودن میزان اعتماد آنها به پژوهشگران از دیگر محدودیت‌های مربوط به انجام پژوهش حاضر بود.

بر اساس نتایج به دست آمده از این پژوهش، جهت استفاده بهتر از ظرفیت نهاد وقف در امر توسعه، پیشنهاد می‌شود که دولت و مجلس قوانین حمایتی بیشتر و محکم‌تری در جهت پشتیبانی و حمایت از وقف و جلوگیری از حیف و میل موقوفات به تصویب برسانند، نیازهای روز جامعه‌شناسایی شده و با انجام مشاوره‌های لازم، نیات و انگیزه‌های واقفان به سمت تامین این نیازها هدایت گردد، روند اداری پر پیچ و خم موجود در انجام وقف توسط سازمان‌های متولی، اصلاح و تسهیل گردد، از ظرفیت رسانه‌های گروهی خصوصاً رادیو و تلویزیون برای تغییر نگرش مردم نسبت به وقف و ترویج فرهنگ وقف در جامعه استفاده شود، نظارت بیشتری بر عملکرد متولیان موقوفات در جهت اجرای نیات واقفان و حفظ و

اداره موقوفات صورت گرفته و متولیان که عملکرد موثری در این خصوص دارند، مورد تقدیر قرار گیرند. به پژوهشگران بعدی نیز پیشنهاد می شود که با استفاده از رویکردهای مختلف جامعه شناختی، عوامل و متغیرهای بیشتری که امکان جمع آوری اطلاعات و شواهد تاریخی در مورد آنها وجود دارد را به مدل اضافه نموده و دوره های تاریخی بیشتری را به عنوان مورد های مطالعه به تحلیل خود وارد نمایند تا با فراهم شدن امکان استفاده از تکنیک هایی چون جبر بولی، توانمندی روش در آزمون تئوری بیشتر گردد. همچنین پیشنهاد می شود در مطالعه ای تطبیقی، تاثیر نهاد وقف بر توسعه جوامع اسلامی با تاثیر نهادهای مشابه غربی بر توسعه این کشورها مورد مقایسه قرار گیرد.

کتابنامه

۱. ازغندی، ع.ر. (۱۳۸۶). تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از سال ۱۳۵۷-۱۳۲۰، تهران: سمت.
۲. اکبری، ا. (۱۳۹۹). تحلیل جامعه شناختی تاثیر وقف بر توسعه در شهر مشهد (مطالعه تطبیقی- تاریخی دوره های تیموری، صفوی و پهلوی). (پایان نامه منتشر نشده دکتری)، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۳. امامی، س.ح. (۱۳۸۳). حقوق مدنی؛ جلد اول، تهران.
۴. انزابی نژاد، ر. (۱۳۸۸). بیست وقفنامه از خراسان، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵. اهلرز، ا. (۱۳۷۴). موقوفات دینی و شهر شرق اسلامی. ترجمه و نگارش مصطفی مومنی و محمد حسن ضیاء توانا، وقف میراث جاویدان، (۱۰).
۶. ایزدی، ح. (۱۳۹۱). شاهان صفوی و زیارت. فصلنامه شیعه شناسی، (۳۹)، ۱۵۲-۱۳۱.
۷. بی نا. (۱۳۸۶). رخدادهای تاثیر گذار در زندگی اجتماعی فرهنگی مردم مشهد (سیر تحولات شهر مشهد)، دو فصلنامه جستارهای شهرسازی، (۲۳ و ۲۲)، ۵۱-۴۵.
۸. پسندیده، م. (۱۳۸۰). مدارس علوم دینی مشهد در دوره تیموری و صفوی. وقف میراث جاویدان، (۳۶ و ۳۵)، ۴۶-۳۹.

۹. پسندیده، م. (۱۳۸۴). چهار مدرسه از دوره تیموریان و صفویان. وقف میراث جاویدان، (۴۸) و (۴۷)، ۱۶-۱۴.
۱۰. جلالی، غ.ر. (۱۳۷۸). مشهد در بامداد نهضت امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. حسینی تربتی، ا. (۱۳۴۲). تزویرات تیموری، تهران: اسدی.
۱۲. خواند میر. (۱۳۳۳). تاریخ حبیب السیر فی اخبار بشر. زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: کتابفروشی خیام.
۱۳. دهقان، م. (۱۳۸۴). نقش نهاد وقف در دگرگونی های اجتماعی- فرهنگی شهر مشهد در دوره صفوی. (پایان نامه منتشر نشده دکتری)، دانشگاه الزهراء، ایران.
۱۴. ریگین، چ. (۱۳۹۷). روش تطبیقی، فرا سوی راهبردهای کمی و کیفی. ترجمه محمد فاضلی، چاپ چهارم، تهران: آگه.
۱۵. ریمون، آ. (۱۳۷۰). شهرهای بزرگ عربی- اسلامی در قرن های ۱۰ تا ۱۲ هجری. ترجمه حسین سلطانزاده، تهران: مترجم.
۱۶. زاهدی، ش.ا، نجفی، غ.ر. (۱۳۸۵). بسط مفهومی توسعه پایدار، نامه مدیریت، (۱۰).
۱۷. ساعی، ع. (۱۳۹۲). روش پژوهش تطبیقی با رویکرد تحلیل کمی، تاریخی و فازی؛ چاپ اول. تهران: آگه.
۱۸. سیدی فرخد، س.م. (۱۳۹۲). نگاهی به جغرافیای تاریخی شهر مشهد، مشهد: مرکز پژوهش های شورای اسلامی شهر مشهد.
۱۹. سیدی، م. (۱۳۸۲). سیمای تاریخی- فرهنگی شهر مشهد؛ چاپ اول. مشهد: آوا.
۲۰. سیدی، م. (۱۳۸۶)، مسجد و موقوفات گوهرشاد، تهران: کومه.
۲۱. سیدی، م. (۱۳۸۷). تاریخ شهر مشهد از آغاز تا مشروطه، مشهد: جامی.
۲۲. شاه حسینی، پ. (۱۳۸۹). تاثیرات وقف بر شهر تهران. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.
۲۳. شهابی، س.م.ر. (۱۳۸۳). مبانی و چهارچوب نظری تاثیر وقف در شکل گیری فضاهای شهری، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، (۷۲)، ۱۵۰-۱۳۵.
۲۴. شهابی، ع.ا. (۱۳۴۳). تاریخچه وقف در اسلام، تهران: دانشگاه تهران.

۲۵. شهیدی، ح. (۱۳۹۴). نقش وقف در توسعه آبی و شکل گیری فضاهاى شهری مشهد در دوره صفویه. *مطالعات تاریخ اسلام*، ۷(۲۵)، ۱۲۰-۹۵.
۲۶. صفایی پور، م.، سیاحی، ز.، زرگر شوشتری، م.ا.، و داری پور، ن. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر وقف بر توسعه اقتصادی شهر اهواز؛ مطالعه موردی: منطقه یک، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۱۶(۱)، ۱۰۴-۸۹.
۲۷. صفری دهکردی، ع.ا. (۱۳۸۳). *تاریخچه اداره کل اوقاف و امور خیریه خراسان به روایت گفتار و تصویر، مشهد: سگال*.
۲۸. طالبان، م.ر. (۱۳۹۳). *روش شناسی مطالعات انقلاب با تاکید بر انقلاب اسلامی ایران؛ چاپ دوم. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی*.
۲۹. عباس زاده، م. (۱۳۹۱). *تاملی بر اعتبار و پایایی در تحقیقات کیفی، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی*، ۴۵(۴)، ۳۴-۱۹.
۳۰. عشایر سلطانی، غ.ح. (۱۳۸۰). *مطالعه موردی بررسی نقش وقف در توسعه شهر زنجان*. (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)، مرکز آموزش مدیریت دولتی زنجان، ایران.
۳۱. عنبری، م.، خالندی، ا. (۱۳۹۱). *بررسی مسأله وقف در دوره تیموری، تاریخ پژوهی*، ۵۱(۲۰)، ۱-۲۰.
۳۲. فاضل بسطامی (۱۳۹۰). *فردوس التواریخ (تاریخ ارض اقدس)*، تصحیح و تحقیق علیرضا اکرمی. تهران: مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۳۳. قصابیان، م.ر. (۱۳۷۷). *تاریخ مشهد (از پیدایش تا آغاز دوره ی افشاریه)*، مشهد: انصار.
۳۴. کوئن، ب. (۱۳۹۳). *مبانی جامعه شناسی (با تجدید نظر اساسی و اضافات)*. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت.
۳۵. مرتضوی قصاب سرایی، م. (۱۳۸۷). *حاج حسین آقا ملک: شخصیت، اقدامات، خدمات، وقف میراث جاویدان*، ۶۲(۶۲)، ۷۳-۶۸.
۳۶. مولوی، ع.ا. (۱۳۵۳). *پیش نویس فهرست موقوفات آستان قدس رضوی، نسخه تاپی، محفوظ در آستان قدس رضوی*.
۳۷. میر احمدی، م. (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی؛ چاپ اول، تهران: امیرکبیر*.

۳۸. نوایی، ع.ح.، احمدی، ن. (۱۳۸۱). ساختار نهاد وقف در عصر صفوی، فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهراء، (۴۳)، ۲۱-۴۲.
۳۹. نوایی، ع.ح.، ملک زاده، ا. (۱۳۸۴). مدرسه عباسقلی خان مشهد و نزاع بین وارثان و متولیان وقت. فصلنامه وقف میراث جاویدان، (۵۰)، ۴۲-۳۳.
۴۰. نوائیان رودسری، ج. (۱۳۹۰). تاراج موقوفات در عصر پهلوی، رصد (ویژه نامه تحلیلی دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان)، (۱۸)، ۳۷-۳۶.
۴۱. نوائیان رودسری، ج. (۱۳۹۰). یکصد سال قانون برای وقف، رصد (ویژه نامه تحلیلی دفتر پژوهش موسسه فرهنگی هنری خراسان)، (۱۸)، ۶۴.
۴۲. نیازی، م.، جعفرپور، م.، و کارکنان، م. (۱۳۹۴). جامعه شناسی وقف؛ چاپ اول، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه.
۴۳. نیک مهر، ا.ا. (۱۳۹۱). وقف در مشهد عصر پهلوی، (پایان نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد)، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۴۴. نیک مهر، ا.ا.، وکیلی، ه. (۱۳۹۲). نیت و مصارف موقوفات واقفان مشهد در دوره پهلوی اول و دوم (با تکیه بر وقف نامه های اداره اوقاف خراسان رضوی و آستان قدس رضوی). مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، ۴۵ (۱۳۱)، ۱۰۹-۹۱.
۴۵. هانت، د. (۱۳۸۶). نظریه های اقتصادی توسعه: تحلیلی از پارادایم های رقیب. ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی. تهران: نی.
۴۶. یزدی مطلق، م. (۱۳۸۰). مسجد گوهرشاد مشهد و موقوفات آن، وقف میراث جاویدان، (۳۶ و ۳۵).

47. Ghazaleh, P. (2011). *Held in Trust, Waqf in the Islamic World*, The American University in Cairo Press.
48. Magis, K., Shinn, C.W. (2009), *Emergent Principles of Social Sustainability*, In jesse dillard, Veronica dujon and Mary c. King, *Understanding the Social Dimension of Sustainability*, Routledge.
49. Nee, V. (2003). *The new Institutionalism in economic and sociology*, Center for the Study of Economy and Society Cornell university.
50. Saduman, S., Aysun, E. (2009). The Socio-Economic role of Waqf system in the muslim ottoman cities' Formation and volution, *Trakia Journal of Sciences*, Vol. 7, pp. 272-275.